

نقش حزب دموکرات در تشدید مخالفت عمده مالکان در برابر مرحله اول اصلاحات ارضی در کردستان ایران

شهبین رعنائی^۱

چکیده

قوانین مرحله اول اصلاحات ارضی مقدار مالکیت عمده مالکان را به یک روستای شش دانگ محدود می کرد. اگرچه این قوانین در سراسر کشور دارای اهداف واحدی بود، اما واکنش های متفاوت مالکان را در پی داشت. چنان که در کردستان، به عنوان منطقه مورد بررسی این تحقیق، با برخورد های متعارضی مواجه گشت. در پژوهش حاضر مسئله این است که با توجه به این که اجرای اصلاحات ارضی از برنامه ها و خواسته های اصلی حزب دموکرات کردستان بود و علی القاعده می بایست از این برنامه حمایت کند، چرا به مخالفت با آن و حمایت از خوانین برخاست؟ بر اساس یافته های تحقیق، حزب بر شدت مقاومت مالکان در برابر اصلاحات ارضی افزود و آن را به سمت شورش های مسلحانه سوق داد. اگرچه این برنامه از خواسته های اصلی حزب بود، اما اجرای آن توسط شاه را طرحی به منظور فرونشاندن ناراضی های اجتماعی می دانست. علاوه بر آن، این برنامه را تهدیدی برای تفکرات ناسیونالیسم کردی قلمداد می کرد، زیرا با اجرای آن قدرت محلی مالکان و رؤسای عشایر از میان می رفت و قدرت حکومت جایگزین آن می شد. و حزب در دستیابی به اهداف خود با خطرات جدی مواجه می شد. وابستگی مالی حزب به مالکان و همزمانی شورش کردستان عراق با اجرای اصلاحات ارضی و تأثیرات این جنبش بر کردستان ایران نیز نقش مهمی در چگونگی رویکرد اعضای حزب به برنامه اصلاحات ارضی و مالکان داشت. واژگان کلیدی: کردستان، حزب دموکرات کردستان ایران، مرحله اول اصلاحات ارضی، عمده مالکان، تفکرات ناسیونالیستی کردی.

The Role of the Democratic Party of Iranian Kurdistan in the Resistance Escalation of Large Landowners in the First Phase of the Land Reform in Iranian Kurdistan

Shahin Ranaei²

Abstract

The provisions of the first phase of the land reform of the Shah's White Revolution limited the amount of the large landowners' proprietorship to just one village. Although the legal articles of the reform covered the whole country, the landowners showed resistance against it. In Kurdistan Province, the conflicts took place against the reform. The present study asks the following question: Why did Democratic Party of Iranian Kurdistan support the landowners and oppose the reform despite the fact that it had promised people to support it? According to the findings of the study, the party incited the conflict between the landowners and government officials and even caused armed conflict between them. Although land reform had been one of the main principles of the party, it regarded the Shah's land reform a means for suppressing social discontents. Besides, it saw the reform as a threat to the Kurdish nationalistic ideas. Through implementation of land reforms, local governments, tribal leaders and eventually the party would have lost their power and the hegemony of the central government would have been administered instead of them. It needs to be mentioned that the party's financial dependency on landowners and the contemporary uprising of Iraqi Kurdistan influenced the party and its decision to oppose the Shah's land reforms.

Keywords: Kurdistan, Democratic Party of Iranian Kurdistan, The First Phase of Land Reform, Large Landowners, Kurdish Nationalist Ideas.

۱. دانش آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهیدبهبشتی * تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱ * تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۵
2. Graduated in PhD in History, Shahid Beheshti University.

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم و در طول جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا با هدف جلوگیری از نفوذ کمونیسم در کشورهای جهان سوم و مقابله با جنبش‌های دهقانی اقدام به اجرای برنامه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی گسترده کرد. اصلاحات ارضی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مواد این برنامه، در این کشورها به اجرا درآمد. این پروژه در ایران نیز بر اثر فشارهای دولت کندی و تحت تأثیر زمینه‌ها و عوامل داخلی در دوره وزارت علی‌امینی اجرایی گشت. امینی با انتصاب حسن ارسنجانی به سمت وزارت کشاورزی راه را برای اجرای اصلاحات ارضی هموار کرد و قوانین آن در تاریخ ۱۹ دی‌ماه سال ۱۳۴۰ خ به تصویب هیئت دولت رسید. این قوانین در سه مرحله اجرا شد: در مرحله اول سقف مالکیت عمده‌مالکان به یک روستای شش‌دانگ، خواه به‌صورت واحد یا بخش‌هایی از چند روستا، محدود شد. اراضی مازاد بر حد نصاب را دولت خریداری می‌کرد و به زارعان صاحب نسق، که به عضویت شرکت‌های تعاونی روستایی درآمد بودند، می‌فروخت، و ارزش املاک به‌صورت اقساط پانزده ساله به بانک کشاورزی پرداخت می‌شد. اراضی مکانیزه، باغات و بیشه‌زار، مزارع چای و قلمستان از این قوانین مستثنا بودند. در مرحله دوم مالکان ملزم به اجرای پنج گزینه شدند: ۱. اجاره اراضی به زارعان صاحب نسق به مدت سی سال، ۲. تقسیم زمین به نسبت بهره مالکانه، ۳. فروش زمین به زارعان، ۴. تشکیل واحد زراعی و ۵. خریداری حق ریشه زارعان. حد نصاب اراضی مالکان در این مرحله بر اساس شرایط آب و هوایی و نوع محصول به ۲۰ تا ۱۵۰ هکتار محدود شد. اراضی وقفی نیز در این مرحله مشمول قوانین شدند و به اجاره ۹۹ ساله زارعان درآمدند. در مرحله سوم نیز مالکان می‌بایست اقدام به فروش و تقسیم املاک مورد اجاره می‌کردند.

مرحله اول اصلاحات ارضی در مقاطع زمانی مختلف در سراسر کشور عملیاتی و با واکنش‌های متفاوتی از جانب مالکان مواجه شد. این برنامه در استان کردستان در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۴۱ خ به‌ترتیب در شهرستان‌های سنندج و قروه و سپس سقز، بیجار، بانه و مریوان اجرا شد. در بخش‌های شمالی و غربی منطقه، رویارویی مالکان بسیار شدیدتر و خصمانه‌تر از نواحی جنوبی و شرقی بود، و همین موجب می‌شد تقسیم اراضی با تأخیر اجرا شود. چگونگی مواجهه عمده‌مالکان به عوامل و شرایط مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی بستگی داشت. در نقاط شمالی و غربی بافت عشیره‌ای جامعه دارای استحکام بیشتری بود و اکثریت مالکان این نواحی علاوه بر داشتن حق تملک بر اراضی، رئیس ایل نیز بودند. به عبارت دیگر، نقش دوگانه مالک-رئیس ایل را ایفا می‌کردند. بنابراین، رعایایی که بر روی اراضی این دسته از مالکان کار می‌کردند، در زمره اعضای

ایل نیز به شمار می آمدند و این نوع رابطه باعث می شد پیوند میان مالکان و رعایا عمیق تر و محکم تر باشد. در نتیجه، با اجرای این برنامه نه تنها اراضی مالکان از دست می رفت، انسجام عشیره‌ای نیز از هم می گسیخت. سابقه فعالیت‌های احزاب چپ در نواحی شمالی و غربی نیز نقش مهمی در نحوه مواجهه مالکان با اصلاحات ارضی داشت و در واقع محرک مهمی در ابراز مخالفت مالکان علیه این برنامه و مداخله گسترده حکومت محسوب می شد. خوانین این نقاط که از گذشته‌های دور خواستار استقلال از حکومت مرکزی بودند با شکل گیری حزب دموکرات کردستان بر شدت فعالیت‌هایشان افزوده شد و تعداد زیادی از آنها به حزب پیوستند. تجدید پیوند اعضای حزب و مالکان و حمایت حزب از آنها، همزمان با اجرای قوانین اصلاحات ارضی، بر شدت مقاومت مالکان و سران عشایر در برابر این برنامه افزود. اکنون این مسئله مطرح است که با وجود این که حزب دموکرات کردستان از آغاز تأسیس خود خواستار تعدیل روابط مالک-زارع و سپس تقسیم اراضی در میان دهقانان بود و علی القاعده می بایست از اصلاحات اجتماعی-اقتصادی شاه حمایت می کرد، چرا پس از اجرایی شدن آن به پشتیبانی از عمده مالکان و مبارزه با اجرای قوانین اصلاحات ارضی برخاست؟

نحوه مواجهه عمده مالکان با مرحله اول اصلاحات ارضی

قوانین اصلاحات ارضی در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۴۱ به اجرا درآمد. نخستین نقاطی که این برنامه در آنها عملیاتی شد شهرستان‌های سنندج و قروه بودند، طبق قوانین مرحله اول ۴۶۰ روستا در این دو ناحیه مشمول تقسیم شدند و تعداد مالکانی که می بایست در این مرحله املاک خود را به دولت منتقل می کردند ۱۰۰ نفر بودند. مالکان به شیوه‌های مختلفی به مسئله تقسیم اراضی واکنش نشان دادند. برخی از آنها املاک خود را به صورت داوطلبانه به دولت منتقل کردند،^۳ تعدادی نیز مفاد قوانین را بدون هیچ گونه مخالفتی پذیرفتند. اما خانواده آصف وزیری و سنندجی، که از خانواده‌های بزرگ ملاک محسوب می شدند، به مقابله برخاستند. محمدحسن آصف وزیری پیش از آغاز اجرای اصلاحات ارضی به مبارزه با آن پرداخت. او تقسیم اراضی را مغایر با شرع اسلام دانست و توانست از این راه تعداد زیادی از مالکان را با خود همراه کند. وی با توجه به این که نماینده مجلس شورای ملی بود سعی داشت از طریق نفوذ در نهادهای حکومتی تقسیم املاک را در کردستان به تعویق اندازد و جبهه مستحکمی در برابر آن تشکیل دهد، به طوری که سرتیب امین آزاد، استاندار

۳. «جریان مشروح تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی»، روزنامه ندای غرب، ش ۴۲ (چهارشنبه ۲ آبان ۱۳۴۱)،

کردستان، خواهان از میان برداشتن او به عنوان یکی از موانع مهم اجرای اصلاحات ارضی بود.^۴ با اجرایی شدن برنامه، وزیری از عشایر گلباغی^۵ و تیلکوه^۶ دعوت کرد و برای چگونگی ابراز مخالفت با اصلاحات ارضی جلساتی را با آنها ترتیب داد. در این جلسات تصمیم بر این شد که چند نفر از سران عشایر مذکور به عراق بروند و محمد رشید قادر خانزاده (حمه رشید بانه‌ای)^۷ و محمد صدیق جاف، از رؤسای عشایر قدرتمند منطقه، را برای همکاری با خود همراه سازند.^۸

اجرای اصلاحات ارضی به معنای از میان برداشتن قدرت‌های محلی و جایگزینی قدرت حکومت و نفوذ آن به درون روستاها بود. مالکان کردستان که از قدرتمندترین حاکمان محلی ایران محسوب می‌شدند، مانع مهمی در برابر این هدف بودند، چنان که آغاز تقسیم اراضی در سنندج با از میان برداشتن یکی از مقتدرترین مالکان این منطقه همراه شد. پس از آغاز اصلاحات ارضی، مالکان سنندج و دیواندره محمدحسین آصف وزیری را به رهبری خود برای ابراز مخالفت برگزیدند. او در زمان ورود شاه برای اعطای اسناد مالکیت به زارعان نه تنها به مخالفت با اصلاحات ارضی پرداخت، بلکه موجودیت و مشروعیت نهاد سلطنت را بی اعتبار کرد. او «در پاسخ به سؤال محمدرضا شاه که پرسیده بود میان‌ات با اجرای اصلاحات ارضی چگونه است؟ گفته بود که چطور می‌شود سلطنت موروثی باشد اما ملک موروثی نباشد.»^۹ به عبارت دیگر، به صورت مستقیم شاه را تهدید به مقابله جدی و خصمانه کرد و به او هشدار داد که در صورت تقسیم اراضی منتظر از دست رفتن سلطنت خود باشد، اما پس از بازگشت شاه، در تهران زندانی شد و در نهایت به قتل رسید. کشته شدن محمدحسین آصف وزیری نشان دهنده پاسخ سرکوبگرانه شاه به مخالفت‌ها بود، در نتیجه از شدت مقاومت‌ها کاسته شد و مالکان برای حفظ املاک خود و ممانعت از تقسیم اراضی

۴. مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۰، ش بازایی ۴۳۰۲۲.

۵. ایل گلباغی در ناحیه دیواندره ساکن بودند.

۶. ایل تیلکوه در دوره افشاریه از عراق به کردستان ایران آمدند، ابتدا در باشماق مریوان ساکن شدند و سپس به نواحی سقر، بانه و دیواندره کوچ کردند و اراضی این نقاط را به تصرف خود درآوردند. بزرگان این ایل مالکان جدید اراضی این مناطق شناخته شدند.

۷. محمد رشیدخان بانه‌ای (محمد رشید قادر خانزاده)، معروف به حمه رشید بانه‌ای، از سران قبایل بانه بود که در جنگ جهانی دوم، با توجه به از هم گسیختگی نیروهای نظامی ایران و حضور نیروهای انگلستان در منطقه، همراه با رؤسای عشایر مریوان تقاضای استقلال کردستان را به انگلیس تسلیم کرد، اما فرماندهان عالی ارتش این خواسته‌اش را رد کردند. او سپس با تخلیه منطقه از نیروهای انگلیسی، با تصرف بانه و سقر و سردشت درصدد گسترش متصرفات خود برآمد. پس از گذشت مدتی نیروهایش شکست خورد و با تأسیس حکومت جمهوری مهاباد به خدمت قاضی محمد درآمد.

۸. مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۱، ش بازایی ۳۳۲۰.

۹. عبدالله مولانایی (از مالکان منطقه کردستان)، مصاحبه با مؤلف، (۵ مرداد ۱۳۹۴)؛ عبدالعلی زرگر (کارمند بازنشسته اداره امور

اراضی استان کردستان)، مصاحبه با مؤلف، (۵ دی ۱۳۹۴).

به روش‌های منفعلانه‌ای روی آوردند.

مالکان برای فرار از مشمولیت قوانین بیشتر املاک خود را به نام اعضای خانواده‌شان ثبت کردند. اما شورای اصلاحات ارضی استان برای جلوگیری از این کار سند انتقال این اراضی را باطل کرد.^{۱۰} با وجود تصویب قوانینی که مالکان را ملزم به تسلیم اظهارنامه‌های املاک خود می‌کرد، پس از گذشت شش ماه از آغاز اجرای اصلاحات ارضی در سنندج، مالکانی همانند سالار سعید سنندجی، محمدحسن آصف، علی اشرف وزیر، علی اشرف سنندجی و مهدی سنندجی همچنان از تنظیم اظهارنامه خودداری می‌ورزیدند.^{۱۱} بر اساس قوانین اصلاحات ارضی، مالکان می‌بایست پس از گذشت یک‌ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم، اظهارنامه خود را تسلیم می‌کردند، در غیر این صورت اداره کشاورزی به تنظیم وضعیت مالکیت آن‌ها می‌پرداخت و یا آن‌ها را مبلغ صد هزار ریال جریمه می‌کرد. اما مالکان مزبور پس از گذشت شش‌ماه از انتشار آگهی نوبت دوم همچنان از تسلیم اظهارنامه امتناع می‌ورزیدند و سازمان اصلاحات ارضی شیوه‌مماشات را برابر آن‌ها در پیش گرفته بود. این مسئله نشان‌دهنده قدرت سیاسی این مالکان و ناتوانی سازمان اصلاحات ارضی کردستان در وادار نمودن آن‌ها به پذیرش قوانین بود.^{۱۲} وجود فساد اداری گسترده در نهادهای اجرایی مربوط به اصلاحات ارضی زمینه را برای نفوذ مالکان فراهم می‌کرد و موجب می‌شد آن‌ها قادر به حفظ بخش زیادی از اراضی خود شوند. با توجه به این‌که اکثر کارمندان اداری از اعضای وابسته به طبقه مالکان بودند، در نتیجه مأموران اجرای اصلاحات ارضی در جهت منافع آن‌ها گام برمی‌داشتند.^{۱۳} تغییر متوالی مجریان اصلاحات ارضی در کردستان نشان از ضعف عملکرد آن‌ها و نفوذ مالکان به درون نهادهای اجرایی اصلاحات ارضی داشت، به طوری که در سال ۱۳۴۲ تعداد زیادی از مسئولان ادارات مربوط به دلیل فساد و بی‌کفایتی در اداره امور از مقام خود برکنار شدند.^{۱۴} از جمله اقدامات دیگری که مالکان برای حفظ املاک خود به کار گرفتند، تلاش برای مکانیزه کردن یا مکانیزه جلوه‌دادن اراضی و اخراج زارعان از روستاها بود. بنا به گفته رئیس اداره کل رسیدگی به شکایات و اختلافات سازمان اصلاحات ارضی:

۱۰. همان.

۱۱. «در سازمان اصلاحات ارضی»، روزنامه ندای غرب، ش ۱۱ (چهارشنبه ۱ اسفند ۱۳۴۱)، ص ۱.

۱۲. «آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق و بخش‌های تابعه شهرستان قروه و سنندج»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۸۹۵، (چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۴۱)، ص ۷.

۱۳. امجد جواهری (کارمند اداره جهاد کشاورزی شهرستان کامیاران)، مصاحبه با مؤلف، (شنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۴).

14. James A. Bill, "Modernization and Reform from Above: The Case of Iran," The Journal of Politics, Vol 32, No 1, 1970, p. 35.

برخی از مالکان کردستان، به‌ویژه منطقه دیواندره^{۱۵}، با استفاده از افراد غیر کشاورز زارعان را تحت فشار قرار می‌دهند تا اراضی خود را رها کنند و آن را به‌عنوان مکانیزه از قوانین مستثنا کنند. در این منطقه ۵۰ درصد نسق زراعتی توسط مالکان غصب شده است، به طوری که برخی از مالکان خانه‌های روستایی را ویران کرده‌اند تا از تعداد روستاهای مشمول کاسته شود. سازمان اصلاحات ارضی به‌منظور استرداد اراضی با مقاومت مسلحانه مالکان روبه‌رو گردیده و تنها راه حل این مسئله تبعید مالکان می‌باشد.^{۱۶}

کشاورزان روستای باشقشلاق از توابع دیواندره مدعی بودند که پس از اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی، حسن اقبالی، مالک روستا، آن‌ها را از محل سکونت خود اخراج، خانه‌هایشان را ویران و املاکشان را به اراضی مکانیزه تبدیل کرده است. او با تطمیع و رشوه‌دادن به مأموران ژاندارمری مانع از به‌نتیجه‌رسیدن شکایات زارعان و اجرای قانون می‌شد، به طوری که این مسئله تا سال ۱۳۵۰ ادامه یافت و زارعان تا این زمان نتوانستند به روستای خود بازگردند.^{۱۷} دیواندره در این دوره یکی از بخش‌های شهرستان سنندج محسوب می‌شد، اما بخش اعظم نقاط شمالی آن در مالکیت سران عشایر بود. تسلط خوانین قبایل بر اراضی قسمت‌های شمالی آن و نفوذ و قدرت مالی و نظامی‌ای که در منطقه داشتند موجب افزایش شدت مقابله آن‌ها در برابر برنامه می‌شد.^{۱۸}

اصلاحات ارضی در شهرستان بیجار در تاریخ اول آبان ۱۳۴۱ به اجرا درآمد.^{۱۹} تعداد روستاها و مالکاتی که در این مرحله مشمول تقسیم شدند به‌ترتیب ۱۵۰ روستا و ۳۲ نفر بود^{۲۰} که پس از گذشت ۳۸ روز از آغاز برنامه ۲۶ نفر از مالکان اظهارنامه خود را تحویل سازمان اصلاحات ارضی دادند.^{۲۱} در بخش‌های شرقی، قروه و بیجار، مالکان روش‌های مسالحه‌آمیزتری را در پیش گرفتند و به مبارزه مستقیم و خصمانه علیه حکومت دست نزدند. آن‌ها پس از انتخاب روستای شش‌دانگ خود به مکانیزه کردن یا مکانیزه جلوه‌دادن مرغوب‌ترین اراضی خود پرداختند و اراضی نامرغوب را

۱۵. دیواندره در این زمان یکی از بخش‌های سنندج بود، اما در این مقاله نواحی شمالی آن در تقسیم‌بندی مناطق شمالی و غربی قرار گرفته است.

۱۶. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۴۳، ش بازبایی ۲۸۷۶-۲۳۰.

۱۷. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۴۴.

۱۸. عبدالحمید حیرت سجادی، ایلات و عشایر کردستان (سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۸۱)، ص ۳۵۱.

۱۹. «آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق بخش‌های شهرستان بیجار»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۹۳۱ (چهارشنبه ۲ آبان ۱۳۴۱)، ص ۱۷.

۲۰. «۱۵۰ روستا در بیجار کردستان آماده تقسیم است»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۹۶۲ (پنج‌شنبه ۸ آذر ۱۳۴۱)، ص ۱۹؛ سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۴۱ (در این پژوهش اسنادی که دارای شماره بازبایی نیستند پیش از فهرست‌نویسی مورد استفاده محقق قرار گرفته‌اند).

۲۱. «۱۵۰ روستا در بیجار کردستان آماده تقسیم است» (پنج‌شنبه ۸ آذر ۱۳۴۱)، ص ۱۹.

به حکومت واگذار کردند.^{۲۲} نکته قابل توجه در مورد این شهرستان، همکاری گسترده مالکان با دستگاه‌های اداری مربوط به اجرای اصلاحات ارضی و تلاش برای حفظ منافع خود از این طریق بود.^{۲۳} برخی از مالکان بیچار پس از اجرای اصلاحات ارضی زارعان را به پرداخت عوارض و عمل به رسومات گذشته مجبور کردند که علت اصلی آن بی‌کفایتی مأموران در نظارت بر کار آن‌ها بود.^{۲۴} به طور کلی، خوانین و مالکان این نواحی به اقدامی مشترک و خصمانه دست نزدند، اما هر یک با توجه به نفوذ و قدرت شخصی خود به شیوه‌های مختلفی برای گریز از قوانین روی آوردند که وجود فساد در دستگاه‌های اجرایی این مسیر را برای آن‌ها هموار می‌کرد.

برنامه تقسیم اراضی در شهرستان سقز در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۴۱ آغاز شد.^{۲۵} تعداد کل روستاهای سقز ۲۶۱ روستا بود، اما تا تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۴۲، یعنی پس از گذشت یک سال، هنوز تعداد روستاهای مشمول مشخص نبودند،^{۲۶} زیرا هیچ یک از مالکان این منطقه حاضر به تنظیم اظهارنامه و پذیرش برنامه نبودند و تا این زمان هیچ روستایی به حکومت واگذار نشده بود.^{۲۷} آخرین نقاطی که اصلاحات ارضی در آن‌ها به اجرا درآمد شهرستان‌های بانه و مریوان بودند که آگهی تنظیم اظهارنامه مالکان آن‌ها در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۴۱ منتشر شد.^{۲۸} تعداد روستاهای مریوان و بانه به ترتیب ۲۱۳ و ۱۴۵ روستا بود که با گذشت چندین ماه از آغاز برنامه هنوز شمار روستاهای مشمول آن‌ها مشخص نبود؛ و فقط ۹ روستای شش‌دانگ و کمتر از شش‌دانگ مریوان به حکومت واگذار شده بود.^{۲۹} شرایط جغرافیایی این نواحی، از جمله کوهستانی و صعب‌العبور بودن و قرارداد داشتن در نقاط مرزی، روند اجرای اصلاحات ارضی را بسیار کند می‌کرد. همچنین نزدیک به ۴۳ روستای سقز و بانه متعلق به جاف‌های عراق بود که به عراق متواری شده و املاکشان را افراد صاحب نفوذ منطقه

۲۲. گروه عکاسی دانشجویان دانشگاه صنعتی، کردستان تا قیام بهمن ۵۷ (تحلیل شرایط اقتصادی - اجتماعی)، (تهران: بی‌نا،

بی‌تا)، ص ۱۱.

۲۳. مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۱، ش بازبایی ۷۸۰۸۵.

۲۴. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۴۳، ش بازبایی ۲۸۷۶-۲۳۰.

۲۵. «آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق بخش‌های شهرستان سقز»، روزنامه اطلاعات،

ش ۱۰۹۳۰، (سه‌شنبه آبان ۱۳۴۱)، ص ۶.

۲۶. «توزیع اسناد مالکیت بین دهقانان»، روزنامه ندای غرب، ش ۳۹ (چهارشنبه ۳ مهر ۱۳۴۲)، ص ۲.

۲۷. چپ در ایران به روایت اسناد ساواک؛ حزب دموکرات کردستان ایران، ج ۱ (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت

اطلاعات، ۱۳۷۸)، ص ۹۴.

۲۸. «آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق بخش‌های تابعه شهرستان‌های مریوان و بانه و

باقیمانده شهرستان‌های کردستان»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۰۰۶ (چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۴۱)، ص ۱۲.

۲۹. «توزیع اسناد مالکیت بین دهقانان»، ص ۲.

تصرف کرده بودند، در نتیجه، مشکلات ثبتي و حقوقی این اراضی و مجهول‌المالک بودن آن‌ها اجرای اصلاحات ارضی را به تأخیر می‌انداخت.^{۳۰} در نواحی عشایری به دلیل این که آگهی ثبت عمومی املاک صادر نشده بود و اسناد معمولی رؤسای عشایر هم مورد قبول سازمان اصلاحات ارضی نبود این مسئله فراگیرتر بود.^{۳۱} بر خلاف نواحی سنندج، قروه و بیجار، مالکان سقز، بانه، مریوان و دیواندره روش‌های ستیزه‌جویانه‌ای در مقابل حکومت در پیش گرفتند. در این مناطق، مخالفت با اصلاحات ارضی با تفکرات ناسیونالیستی کردها در آمیخت و مسئله قیام ملی کُرد بار دیگر مطرح شد. استاندار کردستان، در زمان آغاز اجرای برنامه، از تجمع و اغتشاش مالکان و رؤسای عشایر این مناطق گزارش می‌دهد:

عمده‌مالکان سوگند یاد کرده‌اند که از فروردین ۱۳۴۲ به بعد در نوار مرزی به اغتشاش و ناامنی پردازند و بدین طریق رعایا را مرعوب کرده و مطیع خود سازند و در اجرای قوانین اصلاحات ارضی وقفه اندازند. همچنین آن‌ها خرده‌مالکان را با خود همراه کرده‌اند. آقای اسمعیل عباسی، فرزند محمد عباسی، نماینده سابق کردستان در مجلس شورای ملی، درصدد تشکیل اتحادیه مالکان در شهرستان سقز است و تعدادی از خرده‌مالکان را وارد اتحادیه نموده است.^{۳۲}

به گفته تاجری آذربایجانی، به نام یدالهی، که رابطه نزدیکی با مالکان بوکان و سقز داشت: مالکان این مناطق مخالف اجرای اصلاحات ارضی هستند. آن‌ها به دنبال فرصتی می‌باشند که انتقام خود را از زارعان و دستگاه حکومتی بگیرند، به همین منظور با مصطفی بارزانی وارد رابطه شده و به حمایت مالی از شورشیان کردستان عراق می‌پردازند. آن‌ها درصددند که در صورت تداوم اجرای اصلاحات ارضی اقدام به قیام ملی کردها کنند. رهبر مالکان مخالف، قاسم ایلخانی‌زاده است که از همراهان قاضی محمد در تأسیس جمهوری خودمختار مهاباد^{۳۳} محسوب می‌شود. او وسیله تماس مالکان با نمایندگان بارزانی در ایران شده و همراه با محمد عباسی از مالکان سقز به دنبال مبارزه خصمانه علیه حکومت هستند.

بر اساس این گزارش، مالکانی که سابقه حضور در حزب دموکرات کردستان را داشتند به سرسخت‌ترین مخالفان برنامه تبدیل شدند. خانواده ایلخانی‌زاده علاوه بر این که از مؤسسان

۳۰. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۴۳.

۳۱. گروه تحقیق در مسائل اقتصاد کشاورزی، «بررسی آمار تقسیم اراضی در مرحله اول»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷ و

۸ (اسفند ۱۳۴۲)، ص ۱۸۶.

۳۲. مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۱، ش بازبایی ۳۵۴۳.

۳۳. حکومت خودمختار جمهوری مهاباد، به رهبری قاضی محمد، در تاریخ ۲ بهمن سال ۱۳۲۴ در مهاباد تأسیس شد. هسته و محور اصلی آن حزب دموکرات کردستان بود و اعضای حزب از مقامات عالی‌رتبه حکومت بودند. حوزه جغرافیایی حکومت بسیار محدود و فقط شامل مهاباد، اشنویه، بوکان و سقز می‌شد. این حکومت کمتر از یک سال پایجا ماند و نهایتاً در تاریخ ۱۶ آذر سال ۱۳۲۵ سقوط کرد.

حکومت جمهوری مهاباد بودند، از مالکان بزرگ منطقه نیز به شمار می‌آمدند. این دسته از خوانین با بهره‌گیری از اندیشه‌های ناسیونالیستی کردها به دنبال جلب حمایت گسترده برای مبارزه با حکومت بودند و با توجه به شورش کردهای عراق، مسئله قیام ملی گرد به یکی از موضوعات و مسائل مهم منطقه تبدیل شده بود. شورش کردهای عراق همزمان با اصلاحات ارضی بود، لذا طرح دوباره قیام کردها علیه حکومت می‌توانست ابزار مناسبی برای مالکان در دستیابی به اهدافشان باشد. به عبارت دیگر، مالکان تحت لوای تفکرات ناسیونالیستی به دنبال مبارزه با حکومت و بازداشتن آن از اجرای اصلاحات ارضی بودند.^{۳۴} تعدادی از مالکان مریوان و اورامانات که جزو خوانین عشایر نیز بودند، اعتقاد داشتند که تقویت مصطفی بارزانی برای ممانعت از اجرای اصلاحات ارضی امری ضروری است. از آن طرف هم، دستیابی به کمک‌های مالی خوانین، با توجه به وقوع شورش کردستان عراق، یکی از مهم‌ترین نیازهای بارزانی در این برهه زمانی محسوب می‌شد. پس مالکان این نواحی با وقوف به این مسئله به دنبال کسب حمایت بارزانی برآمدند و به طرق مختلف از او حمایت کردند. به عبارت دیگر، با این کار، از یک سو خوانین به متحدی قدرتمند برای ابراز نارضایتی و مخالفت خود علیه برنامه دست می‌یافتند و از سوی دیگر بارزانی منابع مالی مهمی برای ادامه و تقویت شورش خود به دست می‌آورد.^{۳۵} اکثریت مالکان و سران عشایر مسلح بودند و این مسئله با توجه به همزمانی اجرای اصلاحات ارضی با شورش کردهای عراق، تهدیدی جدی علیه امنیت منطقه محسوب می‌شد. بنابراین استاندار کردستان از اسدالله علم تقاضا کرد دستورات لازم را برای جمع‌آوری اسلحه‌های آن‌ها صادر کند.^{۳۶}

آمار منتشر شده از تعداد روستاهای خریداری شده توسط دولت و تقسیم آن میان زارعان، از زمان آغاز اجرای اصلاحات ارضی تا یک سال پس از آن، نشان می‌دهد مالکان واکنش‌های متفاوتی به این مسئله داشتند. طبق این آمار تعداد مالکان مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی در شهرستان سنندج و قروه ۱۰۰ نفر بودند که پس از گذشت ۴۰ روز از انتشار آگهی نوبت اول ۳۵ نفر از آن‌ها اظهارنامه‌های خود را تسلیم سازمان اصلاحات ارضی و از این تعداد ۱۱ نفر املاک خود را به دولت اهدا کردند.^{۳۷} پس از گذشت یک سال از آغاز اجرای اصلاحات ارضی، تعداد ۳۴ روستای شش‌دانگ و ۸۹ روستای کمتر از شش‌دانگ در شهرستان سنندج به دولت منتقل، و از این تعداد، ۳۱ روستای

۳۴. مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۲، ش بازبایی ۷۸۰۸۵.

۳۵. مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۱، ش بازبایی ۲۳۲۰.

۳۶. همان.

۳۷. «جریان مشروح تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی»، ص ۸.

شش‌دانگ و ۲۹ روستای کمتر از شش‌دانگ میان زارعان تقسیم شدند. در شهرستان قروه نیز دولت تعداد ۲۳ روستای شش‌دانگ و ۶۵ روستای کمتر از شش‌دانگ را خریداری کرد که از این تعداد، ۱۷ روستای شش‌دانگ و ۲۱ روستای کمتر از شش‌دانگ به زارعان واگذار شد. در بیجار نیز یک سال پس از انتشار این آگهی تعداد ۱۸ روستای شش‌دانگ و ۹۰ روستای کمتر از شش‌دانگ را دولت خریداری کرد و از این تعداد، ۱۳ روستای شش‌دانگ و ۳۷ روستای کمتر از شش‌دانگ میان زارعان تقسیم شد.^{۳۸} این در حالی بود که تقریباً پس از گذشت یک سال از انتشار آگهی نوبت اول، هنوز تعداد روستاهای مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی در سقز نامشخص و هیچ ملکی از جانب مالکان به دولت واگذار نشده بود. در بانه و مریوان نیز پس از گذشت چندین ماه از آغاز برنامه، تعداد روستاهای شش‌دانگ و کمتر از شش‌دانگ نامشخص بود. چنان‌که در شهرستان مریوان ۳ روستای شش‌دانگ و ۶ روستای کمتر از شش‌دانگ را دولت خریداری کرده، و از این تعداد یک روستای شش‌دانگ و یک روستای کمتر از شش‌دانگ به زارعان واگذار شده بود. هیچ‌گونه ملکی در شهرستان بانه به دولت واگذار نشده و میان زارعان تقسیم نشده بود.^{۳۹} تعداد روستاهای مشمول نواحی سنندج، قروه و بیجار ۶۱۰ روستا بود، اما هیچ‌گونه آمار روشنی از املاک مشمول سقز، بانه و مریوان ارائه نشده است.^{۴۰} نبود آمار دقیقی از تعداد املاک مشمول و ناتوانی دولت در خریداری اراضی مالکان و انتقال آن به زارعان نشانگر وجود موانع مهمی در اجرای اصلاحات ارضی در سه شهرستان مذکور است. از جمله این موانع می‌توان به مقاومت سرسختانه مالکان این مناطق در مقابل برنامه اشاره کرد.^{۴۱} در کردستان، به‌عنوان جامعه‌ای کشاورزی، زمین منبع اصلی ثروت محسوب می‌شد و تقسیم آن برابر با از دست رفتن ثروت، درآمد، اعتبار اجتماعی و قدرت سیاسی بود.^{۴۲} اصلاحات ارضی به معنای از دست رفتن قدرت‌های محلی و جایگزینی قدرت حکومت بود. بنابراین، مخالفت مالکان با توزیع املاکشان پدیده‌ای غیرمنتظره نبود. اما آنچه تأمل‌برانگیز است، تعارض معناداری است که در نحوه مواجهه مالکان این منطقه دیده می‌شود، چنان‌که مبارزه مالکان سنندج، قروه و بیجار با حکومت بسیار محدودتر از نواحی سقز، بانه، مریوان و دیواندره بود. در

۳۸. «توزیع اسناد مالکیت بین دهقانان»، ص ۲.

۳۹. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۴۵.

۴۰. «۱۵۰ روستا در بیجار کردستان آماده تقسیم است»، ص ۱۹؛ «جریان مشروح تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون

شاهنشاهی»، ص ۸.

۴۱. «توزیع اسناد مالکیت بین دهقانان»، ص ۲.

۴۲. حسین بهروان، جامعه‌شناسی روستایی (تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۹۰)، ص ۴۷.

شهرستان سنندج مالکان بزرگی مانند خاندان سنندجی، آصف وزیری و وکیل حضور داشتند که هر یک مالک ده‌ها روستا بودند و مقدار املاکشان بسیار بیشتر و گسترده‌تر از مالکان مناطق دیگر بود، اما شدت مقابله آن‌ها با اصلاحات ارضی بسیار کمتر از مالکان نواحی شمالی و غربی بود.

نقش حزب دموکرات کردستان در مقاومت مالکان بخش‌های شمالی و غربی

نقاط شمالی کردستان به دلیل وجود پیشینه تاریخی عمیق‌تر و گسترده‌تر فعالیت‌های احزاب چپ دارای استعداد بیشتری برای جذب مخالفت‌ها علیه حکومت مرکزی بود. تعداد زیادی از سران عشایر و مالکان این نواحی در تأسیس حزب دموکرات کردستان و تشکیل حکومت جمهوری مهاباد نقش محوری ایفا کرده بودند^{۴۳} و نسبت به سایر مناطق کردستان نقش پررنگ‌تری در تشکیلات سیاسی و نظامی این حکومت داشتند.^{۴۴} ملاکین که با اجرای اصلاحات ارضی شاهد از دست رفتن قدرت سیاسی و شأن اجتماعی خود بودند برای مقابله با آن به نیروهای سیاسی مخالف روی آوردند، به همین منظور از حزب دموکرات کردستان یاری جستند. تداوم و بقای تفکرات ناسیونالیستی و مبارزه با حکومت مرکزی در این نواحی محرک مهمی در سوق مالکان به این سمت بود. با توجه به این‌که اندیشه‌های قوم‌گرایانه در مناطق شمالی و غربی شدیدتر بود،^{۴۵} مخالفت با اصلاحات ارضی در این بخش‌ها شکل خصمانه‌ای به خود گرفت. در شهرستان سقز با این‌که مدت‌ها از موعد مقرر تقسیم اراضی گذشته بود هنوز هیچ یک از مالکان اظهارنامه تنظیم نکرده بودند و حاضر به تن دادن به اصلاحات ارضی نبودند. آنان برای تشکیل یک جبهه مستحکم علیه حکومت و به تأخیر انداختن اجرای اصلاحات ارضی به حزب دموکرات کردستان روی آوردند. در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۴۱ تعداد زیادی از مالکان مهاباد، سقز و سنندج در منزل محمد عباسی^{۴۶} جلسه‌ای تشکیل دادند و به این نتیجه رسیدند که باید با پارت دموکرات (حزب دموکرات کردستان عراق) همکاری و به صورت علنی در روستاها مبارزه کنند، با این هدف که باعث رعب و وحشت نیروهای انتظامی و امنیتی شوند و اجرای اصلاحات ارضی را تا یک سال به تأخیر اندازند. اعضای گروه شامل محمد عباسی، حاجی

۴۳. علاءالدین سجادی، تاریخ جنبش‌های آزادی‌بخش ملت کرد، ترجمه احمد محمدی (تهران: احمد محمدی، ۱۳۷۹)، ص ۲۶۸.

۴۴. درک کینان، کردها و کردستان؛ مختصر تاریخ کرد، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۶)، ص ۱۲۵؛

ویلیام ایگلتون، جمهوری ۱۹۴۶ کردستان، ترجمه محمد صمدی (مهاباد: صحافی مهاباد، ۱۳۹۰)، ص ۱۵۹.

۴۵. دیوید مک داوول، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: پانیز، ۱۳۸۰)، صص ۳۷۲-۳۷۳.

۴۶. از مالکان بزرگ سقز و دارای سابقه نمایندگی این شهر در مجلس شورای ملی.

صالح شاطری^{۴۷}، قاسم ایلخانی‌زاده، امیر آصف و محمد جوانمردی^{۴۸} و سرهنگ شکرالله کمانگر و تعدادی دیگر بودند. افرادی از حزب کومله^{۴۹} هم مانند رحمان مدرسی شهردار مهاباد، مناف کریمی، صدیق حیدر و رشید شافعی نیز در این جلسه شرکت داشتند. ترکیب اعضای حاضر در جلسه نشان‌دهنده نزدیکی گروه‌های چپ و مالکان به یکدیگر بود. برخی از این افراد علاوه بر داشتن املاک وسیع، دارای سابقه فعالیت در این گروه‌ها و در واقع رابط مالکان و اعضای حزب بودند. چنان‌که سرهنگ شکرالله کمانگر، رئیس دایره امرا در کارگزینی کل ارتش و دارای سابقه همکاری با بارزانی در سال ۱۳۲۵، رابط میان مالکان و بعضی افسران شده بود و تصمیمات مقامات دولتی درباره تقسیم اراضی کردستان و اقدامات سازمان امنیت کشور و ارتش را به اطلاع آن‌ها می‌رساند.^{۵۰} پارت دموکرات کردستان عراق پس از بازگشت مصطفی بارزانی از شوروی، در سال ۱۹۵۸م، فعالیت خود را آغاز کرد؛ هدف بارزانی از تأسیس آن استقلال کردستان بود. شعبه‌هایی از این حزب نیز در سنندج، مریوان و اورامانات و مهاباد تأسیس شد. فعالیت این حزب در ایران و عراق بر اتحاد این دو منطقه و استقلال کردستان متمرکز بود. احمد توفیق، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران در این زمان، و تعدادی از اعضای این حزب، که به شدت تحت نفوذ و تأثیر بارزانی قرار داشتند، به عضویت پارت دموکرات درآمدند. اعضای حزب که در ایران حضور داشتند تحت تأثیر شورش کردستان عراق شروع به فعالیت کردند. و بارزانی نیز اقدام به توزیع اسلحه میان آن‌ها کرد و تعداد زیادی از افسران و درجه‌داران هم به این فعالیت‌ها پیوستند. فکر استقلال از حکومت مرکزی از گذشته‌های دور در این مناطق وجود داشت و حزب برای دستیابی به این هدف به دنبال بهره‌برداری از موقعیت‌های موجود بود.^{۵۱} همزمانی شورش کردستان عراق با اصلاحات ارضی و مخالفت عمده مالکان با اجرای آن این فرصت را فراهم کرد. اگرچه اعضای حزب و مالکان در مورد حکومت و برنامه اصلاحات ارضی جهت‌گیری‌های متفاوتی داشتند، اما مبارزه با حکومت نقطه مشترک اهداف آن‌ها محسوب می‌شد. در دی‌ماه سال ۱۳۴۱، بارزانی به معاون خود دستور داد افرادی را به منظور تبلیغ به بانه، سقز و سنندج بفرستد و از سران عشایر و مالکانی که مخالف

۴۷. از مالکان مهاباد.

۴۸. رئیس عشایر گورک سقز و مهاباد.

۴۹. در این‌جا منظور از حزب کومله حزب چپ‌گرای کمونیستی کردستان است.

۵۰. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص ۹۶.

۵۱. همان، صص ۴۷-۷۶.

اصلاحات ارضی هستند برای پیوستن به حزب دعوت کند.^{۵۲} مالکان نیز به منظور مقاومت در مقابل تقسیم اراضی از اعضای حزب تقاضای یاری کردند. در نتیجه حزب تمایل بیشتری به فعالیت‌های مالکان نشان داد و مناطق مرزی را به کانون فعالیت‌های خود تبدیل کرد.^{۵۳} حزب برای گسترش جنبش خود در اواخر سال ۱۳۴۱ به توزیع ۱۶ هزار کارت پخش شده در زمان قاضی محمد، به عنوان کارت عضویت میان مالکان و رؤسای عشایر پرداخت. کمیته دانشجویان در منزل محمد عباسی و رضا آصف برگزار می‌شد و منزل رحمان ایلخانی زاده به مرکز فعالیت مالکان تبدیل شده بود. در واقع، حزب با این اقدام رسماً مالکان و خوانین را به عضویت درآورد و از موقعیت موجود برای دستیابی به اهداف خود بهره‌برداری کرد.^{۵۴} مالکان با پشتیبانی از تفکرات قوم‌گرایانه و قیام ملی گرد به دنبال جلب توجه و کسب حمایت حزب دموکرات کردستان ایران و مصطفی بارزانی بودند و تحت لوای این تفکر به دنبال استحکام بخشیدن به جبهه مبارزه خود در برابر شاه و توقف تقسیم اراضی برآمدند.^{۵۵} در نواحی مرزی شورش کردهای عراق به بحث اصلی مردم تبدیل شده بود، به‌ویژه این که در این مقطع زمانی تقسیم اراضی در حال اجرا بود. و مالکان که به علت از دست دادن زمین‌های خود جایگاه و اعتبار خود را در معرض نابودی می‌دیدند، بیش از گذشته به پشتیبانی از تفکرات ناسیونالیستی برخاستند.^{۵۶} حزب شورش‌های مسلحانه را در دستور کار خود قرار داد و به علت همجواری مناطق مرزی با کردستان عراق فعالیت‌های خود را بر این بخش‌ها متمرکز کرد. از طرف کردهای عراق در هر روستا سه نفر تفنگچی مستقر و عملیات برنامه‌ریزی شده‌ای برای شورش طراحی شد.^{۵۷} مصطفی بارزانی نیز به عشایر ایران اعلام کرد تحت هیچ شرایطی حاضر به پذیرش تقسیم اراضی نشوند، مگر آن که کردستان آزاد و مستقل تأسیس شود.^{۵۸} تعداد زیادی از مالکان بانه و مناطق مرزی کردستان از ترس این که حکومت آن‌ها را تعقیب و بازداشت کند، به صورت گروهی یا فردی ایران را ترک و در کردستان عراق، به‌ویژه منطقه گرمین (گرمیان)، سکونت اختیار کردند.^{۵۹}

۵۲. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص ۱۱۴.

۵۳. همان، ص ۱۲۳.

۵۴. همان، ص ۹۲.

۵۵. مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۲، ش بازیابی ۷۸۰۸۵.

۵۶. به دره دین صالح، کردستان و شورش کورد؛ له به لکه نامه کانی ساواکی تیراندا (هه ولیر: چاپخانه مناره، ۲۰۱۰)، ص ۸۱.

۵۷. همان، ص ۱۰۶.

۵۸. همان، ص ۸۱.

۵۹. نه میر قازی، له بیره وه ریبه سیاسیہ کانم (ستوکهولم: آپک، ۲۰۱۰)، ص ۶۸.

در اواخر سال ۱۳۴۲ اعضای حزب از مالکان مخالف برای شورش فراگیر علیه حکومت دعوت کردند، اما پیش از اجرای هر گونه عملیاتی ۱۲۰ نفر از آنان دستگیر و بازداشت شدند. تعدادی از مالکان نیز که به مصطفی بارزانی کمک‌های مالی کرده بودند به عراق متواری شدند. حزب در کردستان عراق تلاش زیادی برای جلب توجه آن‌ها کرد اما موفق به این کار نشد. مالکان ناراضی نیز پس از بازگشت به ایران دیگر اقدام مهمی علیه حکومت انجام ندادند و فقط گاهی شایعاتی درباره تماس آن‌ها با حزب منتشر می‌شد، اما به شدت تحت کنترل بودند. سرکوب این شورش و نظارت‌های شدید حکومت باعث شد که به تدریج از شدت مخالفت مالکان کاسته شود و آن‌ها به شیوه‌های دیگری همانند دورزدن قوانین و حفظ اراضی به طرق مختلف روی آورند.^{۶۰} یکی از عوامل مهمی که مالکان و بارزانی را به یکدیگر نزدیک می‌کرد، حمایت‌های مالی مالکان از شورش‌ها بود. شاه با آگاه شدن از این مسئله، به منظور کنترل فعالیت‌ها و ممانعت از وقوع شورش‌های انقلابی در کردستان، با مصطفی بارزانی وارد رابطه حسنه شد و او را تحت حمایت مالی خود قرار داد. بدین طریق بارزانی از کمک‌های مادی مالکان بی‌نیاز و مأمور برقراری آرامش در کردستان ایران شد و حزب دموکرات کردستان ایران را تحت نظارت خود درآورد. شاه با اتخاذ این سیاست ارتباط میان مالکان مخالف اصلاحات ارضی با بارزانی و فعالان انقلابی کردستان عراق را از هم گسست و تحریکات خوانین را خنثی کرد.^{۶۱}

رویکرد حزب دموکرات کردستان به برنامه اصلاحات ارضی و عمده مالکان

همان‌طور که گفته شد، حزب دموکرات کردستان نقش مهمی در تشدید مقاومت مالکان مناطق شمالی و غربی در برابر اصلاحات ارضی داشت، تا جایی که آن‌ها را در شورش‌های مسلحانه علیه حکومت یاری رساند. اما با توجه به این که اصلاحات اجتماعی-اقتصادی از خواسته‌های اصلی حزب از زمان تأسیس بود، اکنون این پرسش‌ها مطرح می‌شود که چرا پس از اجرای اصلاحات ارضی و اعلام اصول انقلاب سفید توسط شاه، اعضای حزب به حمایت از مالکان مخالف، و مبارزه با برنامه برخاستند؟ و این که آیا حمایت از مالکان در راستای جهت‌گیری‌های استراتژیکی آن‌ها بود یا صرفاً تاکتیکی بود برای این که به واسطه نیروهای مخالف حکومت جنبش خود را گسترش دهند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها بررسی برنامه‌ها و اساسنامه حزب ضروری است. در ماده سی و نهم

۶۰ نه میر قازی، له بیره وه ریبه سیاسیه کانم (ستوک‌هولم: آپک، ۲۰۱۰)، ص ۴۲۸.

۶۱ گروه عکاسی دانشجویان دانشگاه صنعتی، ص ۴۱؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص ۳۵۱.

برنامه‌های کنگره دوم حزب، که در آذرماه ۱۳۴۳خ/ نوامبر ۱۹۶۴م در عراق برگزار گردید، رویکرد حزب به اصلاحات ارضی به وضوح روشن شده است:

کنگره درباره وضع دردناک و رنج‌آور زندگی دهقانان و قشرهای زحمتکش دهات کردستان و نواحی کردنشین تصمیم گرفت که تغییر اساسی زندگی تلخ و غم‌انگیز دهقانان گردد و ریشه‌کن ساختن فئودالیسم [را در دستور کار خود قرار دهد و برای این منظور] نیاز و رابطه مستقیم به مبارزه مسلحانه از راه اندیشه و مصلحت‌اندیشی ژرف و واقع‌بینانه دارد... فئودالیسم باید از بیخ و بن برافتد و این «اصلاحات ارضی» برای شفا و مداوای دردکننده و علاج‌ناپذیر رژیم فاسد هیأت حاکمه و شاه جبار و سرهم‌بندی روابط ظالمانه ارباب-رعیتی به منظور انحراف دهقانان از انقلاب و شورش مسلحانه به میان کشیده شده. فئودالیسم که سالیان دراز است در حکومت‌های دیکتاتوری شاه و هیأت حاکمه پا به پای سرمایه‌داری بزرگ شرکت مستقیم داشته است، حتی در برابر این اقدامات وزارتی اصلاح‌طلبانه جناح ناراضی و «انقلاب‌شناس» نیز بنای بدرفتاری و غرلند سیاسی را آغاز کرد و چون چاره‌اندیشی این مسئله بزرگ دهقانی، سطحی و دستوری از بالا شروع شده بود با بند و بست و خلع و فسخ چند مقام کار به دست بالا نیز فسخ و منحرف گشت و در بعضی نواحی شاه و اربابانش در پناه جریان اصلاحات ارضی دست به انتقام‌کشی از مالکین وابسته به نهضت ملی کردند...^{۶۲}

طبق بیانیه کنگره، حزب دموکرات کردستان معتقد بود شاه از طریق اصلاحات ارضی به دنبال ایجاد تفرقه میان مالکان کردستان و از بین بردن حس انقلابی آنهاست. به همین دلیل آن‌ها را به مقابله با سیاست‌های شاه فراخواند و هشدار داد که هدف شاه از اصلاحات ارضی نابودی قدرت خوانین گردد و دستیابی به سلطه هرچه بیشتر بر منطقه است. به تعبیر دیگر، حزب این اقدام شاه، به عنوان دشمن اصلی خلق گردد، را مداخله در امور کردستان قلمداد می‌کرد، زیرا همانند سایر گروه‌های چپ معتقد بود اجرای اصلاحات ارضی، که در اصل هدف از آن کاهش ناراضی‌های اجتماعی و جلوگیری از شورش‌های دهقانی در کشور است، باید توسط یک حکومت دموکراتیک گردد صورت پذیرد. بنابراین، به همه طبقات اجتماعی اعلام کرد تمامی امکانات خود را برای دستیابی به استقلال کردستان و تشکیل حکومت دموکراتیک ملی گردد به کار گیرند، چرا که در این صورت نه تنها اصلاحات ارضی بلکه انقلاب ارضی محقق خواهد شد، به این معنا که در نتیجه این انقلاب همه دهقانان به اراضی خود دست خواهند یافت و تمامی ساکنان کردستان به آزادی و استقلال خواهند رسید.^{۶۳}

۶۲. بیاننامه دومین کنگره حزب دموکرات کردستان، ص ۵۰.

۶۳. یاسین سه رده شتی، ژبان و تیکوشانی سیاسی نه همه د توفیق «عه بدولای نسیحاقی» (۱۹۳۱-۱۹۷۳) (سلیمانی: شنان،

کنگره در ماده چهاردم تأکید می‌کند که تمامی روستاییان و کارگران با یکدیگر متحد شوند و مسئله اصلاحات ارضی را تا زمان دستیابی به استقلال رها کنند، زیرا که حزب پس از رسیدن به این مقصود اقدام به تقسیم اراضی خواهد کرد.^{۶۴} در نهایت می‌توان ادعا کرد، اگرچه اجرای اصلاحات ارضی یکی از برنامه‌های مهم حزب بود، اما در این برهه زمانی دستیابی به استقلال مسئله اصلی کردها محسوب می‌شد و تقسیم اراضی میان دهقانان تحت‌الشعاع آن قرار می‌گرفت.

طبق نگرش‌های مطرح‌شده، می‌توان رویکرد حزب دموکرات کردستان درباره اصلاحات ارضی را به دو دسته تقسیم کرد: ۱. حزب، همانند برخی از گروه‌ها و احزاب چپ، اصلاحات ارضی را در چارچوب تئوری‌های کمونیستی تبیین می‌کرد. به عبارت دیگر، اصلاحات ارضی در ایران را برنامه‌ای امپریالیستی می‌دانست که موجب کاهش نارضایتی‌های اجتماعی می‌شود و از وقوع انقلاب دهقانی جلوگیری می‌کند؛ ۲. رویکرد دیگر حزب را می‌توان بر اساس تفکرات ناسیونالیسم کردی تبیین کرد، به این معنا که هدف شاه از این برنامه از میان برداشتن مالکان قدرتمند منطقه و ایجاد اختلاف و دوگانگی میان آن‌ها و جایگزینی قدرت حکومت بود و این مسئله ضربه مهلکی بود بر تفکرات قوم‌گرایانه کردها. از نظر حزب، اجرای اصلاحات ارضی، به معنای واقعی، مشروط به استقلال کردستان و تشکیل حکومت دموکراتیک کرد بود.

پس از اعلام قوانین اصلاحات ارضی، گروه‌های چپ همانند جبهه ملی و حزب توده در زمره مخالفان آن قرار گرفتند. آن‌ها معتقد بودند هدف شاه از این برنامه بهره‌برداری سیاسی و گسترش پایگاه اجتماعی خود است. بنابراین به هر گونه اقدامی از جانب او با شک و تردید می‌نگریستند. حزب توده اعتقاد داشت با تقسیم اراضی پایگاه اجتماعی‌اش از دست خواهد رفت، چرا که یکی از برنامه‌های مهم حزب توسط مخالفان آن عملیاتی می‌شود. به عبارت دیگر، با اجرای اصلاحات، نیروی گروه‌های چپ خنثی می‌شد.^{۶۵} گرچه اصلاحات ارضی یکی از اصول و برنامه‌های احزاب چپ بود، اما آن را حربه سیاسی شاه به‌منظور فرونشاندن نارضایتی‌های اجتماعی، تضعیف قدرت مالکان و جلوگیری از وقوع انقلاب روستایی می‌دانستند. یکی از دلایل مخالفت گروه‌های چپ بی‌اعتمادی به اقدامات شاه در خصوص بهبود اوضاع روستاییان بود — علت این بی‌اعتمادی اقدام رضا شاه در مصادره کردن دو هزار روستا بود. دلیل دیگر مخالفت‌ها این بود که گروه‌های چپ علاقه‌ای به اجرای برنامه‌های اصلاحی شاه نداشتند و می‌خواستند اگر اصلاحاتی در جامعه انجام

۶۴ که ریمی حیسامی، له بیره وه ربه کانم ۱۹۷۰-۱۹۶۵، ج ۳ (ستو کهولم: بی‌نا، ۱۹۸۸)، صص ۱۴-۱۶.

65. Charles Clinton Rudolph, "The Land Reform Program in Iran and its Political Implications" (Ph.D. Thesis, The American University Washington D.C., 1971), pp. 135-136.

می‌شود به دست خود آن‌ها باشد. عده‌ای از گروه‌های افراطی نیز این برنامه را توطئه امپریالیست‌ها می‌پنداشتند و می‌گفتند آن‌ها از این طریق در صدد سلطه بر جامعه‌اند و ابزار آن‌ها در این مقطع زمانی کشاورزان و روستاییان هستند. به عبارت دیگر، این گروه‌ها اهداف شاه از اصلاحات ارضی را به اهداف سیاسی تقلیل دادند و هدف اصلی این برنامه را تأسیس قشر بورژوازی روستایی به‌عنوان پایگاه اجتماعی-سیاسی شاه ذکر کردند.^{۶۶} به اعتقاد آن‌ها، گسترش نفوذ کمونیسم در کشورهای همجوار ایران طبقه حاکم را به طراحی برنامه‌ای برای جلوگیری از شورش دهقانان و تبدیل این طبقه به نیرویی در خدمت بورژوازی وادار کرد. به همین دلیل امپریالیسم برای حفظ موقعیت و جایگاه خود و ادامه حاکمیت سیاسی و اقتصادی برنامه اصلاحات ارضی را مطرح کرد.^{۶۷} بنابراین اجرای این برنامه فقط در جهت سیاست ضد کمونیستی بوده است، به طوری که متحدان خود، فئودال‌ها و مالکان را قربانی این سیاست کرد. هدف آمریکا از اصلاحات ارضی ایجاد سیستمی در کشور بود که منجر به سلطه هرچه بیشتر آن بر ارکان جامعه شود، در نتیجه اصلاحات ارضی یک سیاست نواستعماری محسوب می‌شود.^{۶۸} امپریالیست‌ها و هیئت حاکم بر ایران به دنبال کاهش تناقضات ناشی از مناسبات ارباب-رعیتی، از میان برداشتن نیروهای انقلابی و جلوگیری از وحدت آن‌ها و کارگران، تضعیف نیروهای ضد امپریالیستی^{۶۹} و مقابله با جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، و برای جلوگیری از انقلاب از پایین اجرای اصلاحات از بالا را مطرح کردند.^{۷۰}

به اعتقاد گروه‌های چپ اصلاحات ارضی بنیادی و واقعی جز از طریق در نظر گرفتن منافع زارعان و شرکت همه‌جانبه دهقانان در خلع ید مالکان و از میان برداشتن سلطه و نفوذ آن‌ها امکان‌پذیر نخواهد شد.^{۷۱} اصلاحات ارضی واقعی باید برنامه‌ای دموکراتیک باشد، به این معنا که در عمل به سود دهقانان باشد، موجب ترقی جامعه شود و اشکالی از مالکیت را که با رشد و پیشرفت جامعه سازگار است، ایجاد کند؛ شکلی از مالکیت که ریشه مالکان و سرمایه‌داران را برچیند، زمینه

66. Afsaneh Najmabadi, *Land Reform and social change in Iran* (Salt Lake City: University of Utah Press, 1987), pp. 4-7; Rudulph, p. 136.

۶۷. ن. غازیانی، «لایحه خرید و فروش اراضی و نتایج آن»، مجله دنیا، ۱۳۴۱، ص ۶۲.

۶۸. پرویز خلعتبری، «اصلاح ارضی نواستعماری و اصلاح ارضی دموکراتیک»، مجله دنیا، ش ۱ (بهار ۱۳۴۴)، ص ۵۸؛ بیژن جزنی، *اصلاحات ارضی در ایران* (تهران: نشر گل‌سرخ، بی‌تا)، ص ۷.

۶۹. نورالدین کیانوری، «چهره واقعی اصلاحات ارضی شاه»، مجله دنیا، ش ۲ (زمستان ۱۳۴۳)، ص ۴۴.

۷۰. امیر نیک‌آیین، *درباره مسئله ارضی و جنبش‌های دهقانی در ایران* (تهران: سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران،

۱۳۵۹)، ص ۱۲۸.

۷۱. امیر نیک‌آیین، «چشم‌اندازی از اصلاحات ارضی در ایران»، مجله دنیا، ش ۳ (پاییز ۱۳۴۵)، صص ۵۶-۵۷.

را برای رشد سالم اقتصادی فراهم کند و از طریق تدوین سیاست‌های مدون اقتصادی موجب حفظ استقلال کشور و بهبود شرایط دهقانان شود. چنین اصلاحاتی فقط با تشکیل دولت مستقل ضدامپریالیستی و متکی بر خلق ممکن می‌شود. احزاب چپ خواهان چنین اصلاحات ارضی بودند، نه اصلاحاتی که توسط یک حکومت وابسته به امپریالیسم انجام شود. بنابراین، مخالفت این گروه‌ها با اصلاحات ارضی از موضع خصلت دموکراتیک آن، موضع طبقاتی دهقانان، ضدامپریالیستی و استقلال طلبانه بودن و پیشرفت واقعی جامعه بود.^{۷۲} حزب دموکرات کردستان نیز، مانند سایر احزاب چپ، اجرای اصلاحات ارضی را طرحی امپریالیستی برای کاهش نارضایتی‌های اجتماعی می‌پنداشت و معتقد بود هدف شاه از این برنامه از بین بردن اتحاد دهقانان و کارگران و جلوگیری از وقوع انقلاب دهقانی است. از دیدگاه این حزب اصلاحات ارضی به معنای واقعی تنها از طریق شورش فراگیر و گسترده دهقانی و ایجاد حکومت دموکراتیک ملی گرد محقق خواهد شد، در غیر این صورت، هر گونه اصلاحات ارضی سطحی و همسو با منافع شاه و امپریالیست‌ها خواهد بود. حزب به صراحت بیان می‌کرد که از بین بردن رابطه ارباب-رعیتی از طریق انقلاب ارضی عملی خواهد شد نه اصلاحات سطحی و ظاهری. شاه از طریق این برنامه از یک سو با هدف گسترش پایگاه اجتماعی خود مقدار اندکی زمین در اختیار دهقانان قرار خواهد داد و از سوی دیگر مالکان مخالف را از میان خواهد برداشت. به عبارت دیگر، تنها شخصی که سود خواهد برد شاه است. حزب به دهقانان هشدار داد که دستیابی به تمامی املاک حق طبیعی آن‌هاست و صاحبان واقعی تمامی اراضی منطقه آن‌ها هستند که این مهم نیز مستلزم استقلال کردستان خواهد بود. حزب با وعده اعطای مالکیت تمامی اراضی به دهقانان، درصدد جلب توجه آن‌ها در مخالفت با اصلاحات ارضی و در نهایت پیوستن به شورش علیه حکومت بود. در نهایت می‌توان ادعا کرد که حزب در بیانیه خود با بهره‌برداری از گرایش‌های ناسیونالیستی درصدد خنثی کردن اقدامات شاه در زمینه تقسیم اراضی بود و اصلاحات ارضی بنیادی و واقعی را منوط به آزادی از سلطه حکومت مرکزی اعلام می‌کرد.^{۷۳} یکی از اهداف حکومت مرکزی از اجرای اصلاحات ارضی گسترش قدرت خود به درون روستاها بود که این منظور از طریق تقویت نظام دیوانسالاری و امنیتی در روستاها و اعزام مأمورانی برای اجرای طرح‌های مورد نظر حاصل می‌شد.^{۷۴} با استقرار و گسترش تشکیلات قضایی، نظامی و اداری

۷۲. نیک‌آیین، درباره مسئله ارضی و جنبش‌های دهقانی در ایران، صص ۱۳۹-۱۴۴.

۷۳. بیان‌نامه دومین کنگره حزب دموکرات کردستان، ص ۵۰.

۷۴. اریک ج. هوگلاند، زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰، ترجمه فیروزه مهاجر (تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۱)، صص

در روستاها، قدرت حکومت که تا پیش از برنامه تا مرز حوزه قدرت مالکان می‌رسید، به اعماق آن نفوذ می‌کرد. شرکت‌های تعاونی نقش تأمین اعتبار مالی، وام و عوامل تولید را بر عهده می‌گرفتند و خانه انصاف جایگزین نقش مالک یا نماینده او در حل اختلافات می‌شد. در نهایت، اجرای اصلاحات ارضی موجب تفویض قدرت مالکان و قدرت‌های محلی به حکومت مرکزی می‌شد و روستاییان را مستقیماً در برابر آن قرار می‌داد.^{۷۵} مالکان و رؤسای عشایر که از گذشته‌های دور از مخالفان سرسخت حکومت مرکزی محسوب می‌شدند و خواستار از میان برداشتن نفوذ حکومت در حوزه قدرت خود بودند،^{۷۶} پس از تأسیس حزب دموکرات کردستان به آن پیوستند، چنان که تعداد زیادی از اعضای حزب را تشکیل می‌دادند. هدف آن‌ها از روی آوردن به فعالیت‌های حزبی کاهش نفوذ حکومت بود که در تشکیل جمهوری خودمختار مهاباد فرصت بروز یافت.^{۷۷} البته گرچه حزب دموکرات کردستان هدف خود را حمایت از مالکان بیان می‌کرد، در بیانیه خود مسئله اصلاحات ارضی را تحت الشعاع هدف مهم‌تر یعنی تشکیل یک حکومت دموکراتیک ملی گرد قرار داد و برنامه تقسیم اراضی را موکول به آینده و ایجاد تحولات مهم‌تری در منطقه کرد. اما باید توجه کرد که در بیانیه حزب تناقضات و دوگانگی‌هایی دیده می‌شود، به این معنا که در صورت تحقق تأسیس حکومت ملی گرد، پافشاری حزب بر اجرای برنامه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی، به‌عنوان یکی از اصول خود، در تقابل با منافع خوانین قرار می‌گرفت. در واقع اتحاد مالکان و حزب یک راهبرد موقتی محسوب می‌شد که به شدت وابسته به شرایط خاص منطقه بود، مالکان به رویکردهای حزب اعتقادی نداشتند و آنچه موجب پیوند آن‌ها می‌شد وضعیت و شرایط خطیر موجود و هراس از نفوذ گسترده حکومت در منطقه بود. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد که پشتیبانی خوانین از تفکرات ناسیونالیستی در این مقطع زمانی بیشتر به علت وجود خطرانی بود که منافع آن‌ها را تهدید می‌کرد.^{۷۸}

حزب از لحاظ نظری و عملی جهت‌گیری‌های دوگانه‌ای نسبت به مالکان داشت. پس از سقوط جمهوری مهاباد، نخستین کنفرانس حزب دموکرات کردستان در سال ۱۳۳۵ خ برگزار گردید. محور اصلی برنامه‌های حزب مبارزه با امپریالیسم و دستیابی به حاکمیت ملی بود. اعضای حزب در این کنفرانس اعلام کردند که مردم گرد زیر ستم سه گروه امپریالیسم، حکومت مرکزی فتودال- بورژوا

۷۵. گروه تحقیقات اقتصادی، مطالعات روستایی در ایران (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۱)، صص ۳۰-۳۱.

۷۶. مک‌داول، صص ۳۷۲-۳۷۳.

۷۷. کینان، صص ۱۱۹-۱۲۵.

۷۸. بیان‌نامه دومین کنگره حزب دموکرات کردستان، ص ۵۰.

و مالکان و خوانین بزرگ گرد قرار دارند.^{۷۹} از لحاظ نظری مواضع حزب در تقابل با مالکان قرار داشت، اما رهبران حزب به‌رغم وجود این تضادها به مخالفت با مالکان برنخاستند. اساس این سیاست وحدت همه گردهایی بود که به ناسیونالیسم گردی اعتقاد داشتند. اعضای حزب همیشه به دنبال برقراری روابط حسنه با رؤسای عشایر و مالکان بودند. این رویکرد به دلیل قدرت و نفوذ سیاسی و اقتصادی مالکان بود و حزب نمی‌توانست آن را نادیده گیرد.^{۸۰} حزب بدون کمک‌های مالی خوانین و سران عشایر قادر به ادامه حیات نبود و در صورت حمایت از تقسیم اراضی حامیان خود را از دست می‌داد. لذا اعضای حزب با هدف حفظ و ادامه کمک‌های مالی مالکان به پشتیبانی از آن‌ها پرداختند و در شورش‌های مسلحانه علیه حکومت آن‌ها را یاری دادند.^{۸۱} آن‌ها درکی واقعی و عملگرا از اوضاع کردستان داشتند و سعی می‌کردند با توجه به شرایط نقاط مختلف منطقه سیاست‌های منعطفی در پیش بگیرند.^{۸۲} مسئله شورش کردستان عراق به رهبری بارزانی و تجدید فعالیت‌های حزب دموکرات کردستان ایران لزوم وجود منابع مالی برای اجرای فعالیت‌های مسلحانه را گوشزد می‌کرد. با توجه به نبود متحدی استراتژیک که بتواند از لحاظ مادی به جنبش یاری رساند، اعضای حزب به گردآوری کمک‌های مورد نیاز برای شورشیان در مناطق مرزی کردستان روی آوردند. آن‌ها با مالکان این نواحی مذاکره و از آن‌ها کمک‌های مالی درخواست کردند.^{۸۳} اجرای اصلاحات ارضی و مخالفت شدید مالکان با آن این فرصت را در اختیار حزب قرار داد. بنابراین، مبارزه با اصلاحات ارضی فقط ابزاری در جهت اهداف حزب بود.^{۸۴} خوانین و سران عشایر نیز به پشتیبانی مادی و معنوی از شورشیان پرداختند و به حامیان اصلی شورش تبدیل شدند، چنان‌که پیوند نزدیک شورش کردهای عراق با کردستان ایران به‌شدت تحت تأثیر این حمایت‌ها قرار داشت. به گفته احمد قاضی، از اعضای حزب، بیشترین بخش فعالیت اعضا به جمع‌آوری کمک‌های مادی برای جنبش اختصاص یافته بود. به عبارت دیگر، کردستان ایران به محور استراتژیک شورش تبدیل شد.^{۸۵} بر اساس مباحث مذکور، حمایت از مالکان و مبارزه با برنامه اصلاحات ارضی جزو استراتژی

۷۹. <http://irpress.org/index.php?title> (حزب دموکرات کردستان ایران)

80. Farideh Koochi-Kamali, *The Political Development of the Kurds in Iran; Pastoral Nationalism* (New York: Palgrave MacMillan, 2003), p. 177.

۸۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص ۱۰۰.

82. Koochi- Kamali, p. 177.

۸۳. سه رده شتی، ص ۱۲۶.

۸۴. همان، صص ۴۷-۶۰.

۸۵. سه رده شتی، صص ۱۲۶-۱۲۹.

حزب نبود، بلکه صرفاً تاکتیکی برای هدف بزرگ‌تر، یعنی استقلال کردستان، بود. زیرا این مسئله در این مقطع زمانی مهم‌ترین دغدغه حزب بود و کسب حمایت نیروهای مخالف برای گسترش شورش سیاسی کوتاه‌مدت محسوب می‌شد. مالکان که با تقسیم اراضی به عمده‌ترین مخالفان حکومت تبدیل شده بودند ابزار مناسبی در این جهت بودند. در نهایت می‌توان ادعا کرد که اگرچه اصلاحات ارضی جزو برنامه‌های اصلی حزب بود، اما در مقابل هدف اصلی و بزرگ‌تر، یعنی دستیابی به استقلال، دارای اهمیت چندانی نبود.

نتیجه‌گیری

اجرای اصلاحات ارضی در کردستان با مقاومت عمده مالکان همراه شد، اما در نحوه رویارویی آن‌ها در نقاط مختلف منطقه تفاوت چشمگیری وجود داشت. در شهرستان‌های سقز، بانه و مریوان و بخش‌های شمالی دیواندره واکنش‌ها خصمانه‌تر بود و در برخی از موارد به شورش‌های مسلحانه گرایید. عوامل و دلایل مختلفی همانند ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی این نواحی، خاستگاه اجتماعی مالکان، مرزی بودن بخش‌هایی از منطقه و میزان وابستگی خوانین به زمین تأثیر زیادی در نحوه مقابله مالکان داشت. بقای تفکرات ناسیونالیستی و فعالیت‌های حزبی در این مناطق شدت بیشتری داشت، و همین مسئله نقش مهمی در جهت‌گیری خوانین ایفا کرد. به دلیل وجود سابقه عمیق‌تر و گسترده‌تر فعالیت‌های حزب دموکرات کردستان در این بخش‌ها مقابله مالکان و رؤسای عشایر با عقاید قوم‌گرایانه پیوند خورد. آن‌ها برای تشدید مقاومت خود به حزب روی آوردند و حزب نیز با هدف گسترش جنبش خود از این موقعیت بهره‌برداری کرد.

بر خلاف آنچه در برنامه و اساسنامه حزب وجود داشت، اعضای حزب به مخالفت با برنامه اصلاحات ارضی و حمایت از مالکان برخاستند، اتخاذ چنین رویکردی تحت تأثیر نگرش‌های متفاوت حزب قرار داشت. حزب دموکرات کردستان، همانند دیگر احزاب چپ، برنامه اصلاحات ارضی را طرحی امپریالیستی و امریکایی اعلام و آن را در جهت سلطه نظام سرمایه‌داری بر جامعه و نابودی جنبش‌های انقلابی دهقانان تفسیر کرد. از دیدگاه حزب اصلاحات ارضی بنیادی و واقعی تنها با انقلاب فراگیر دهقانی و برپایی یک حکومت ملی و دموکراتیک محقق می‌شد و در این صورت بود که راه برای رسیدن به مرحله تکاملی تاریخی، یعنی سوسیالیسم، هموار می‌شد. به علاوه، حزب بر اساس ناسیونالیسم‌گردی به برنامه می‌نگریست، به این معنا که با تقسیم اراضی قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مالکان از دست می‌رفت و با نابودی قدرت‌های محلی، که

خواستار تضعیف قدرت حکومت در منطقه بودند، قدرت حکومت مرکزی در روستاها گسترش می‌یافت و جایگزین آن‌ها می‌شد. و این مسئله تهدیدی جدی برای تفکرات ناسیونالیستی کردها محسوب می‌شد. اگرچه از لحاظ ایدئولوژیک حزب می‌بایست از برنامه حمایت می‌کرد، اما به دلیل وابستگی به کمک‌های مالی مالکان به حمایت از آن‌ها پرداخت، زیرا با اجرای اصلاحات ارضی منبع ثروت مالکان از دست می‌رفت. همچنین جنبش کردستان عراق برای دستیابی به استقلال و گسترش آن به کردستان ایران و تلاش برای کسب حمایت مالکان و رؤسای عشایر، به‌عنوان حامیان سنتی، تأثیر زیادی بر جهت‌گیری اعضای حزب نسبت به مالکان داشت. به عبارت دیگر، حزب به‌منظور جلب پشتیبانی آن‌ها مبارزه با تقسیم اراضی را در دستور کار خود قرار داد. در نهایت می‌توان اذعان کرد که مخالفت با تقسیم اراضی و حمایت از مالکان همسو با مبارزات تاکتیکی حزب برای دستیابی به هدف بزرگ‌تر، یعنی استقلال کردستان، بود.

منابع

- «آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق و بخش‌های تابعه شهرستان قروه و سنندج»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۸۹۵، چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۴۱، ص ۷.
- «آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق بخش‌های شهرستان بیجار»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۹۳۱، چهارشنبه ۲ آبان ۱۳۴۱، ص ۱۷.
- «آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق بخش‌های شهرستان سفز»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۹۳۰، سه‌شنبه ۲ آبان ۱۳۴۱، ص ۶.
- «آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق بخش‌های تابعه شهرستان‌های میوان و بانه و باقیمانده شهرستان‌های کردستان»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۰۰۶، چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۴۱، ص ۱۲.
- ایگلتون، ویلیام، جمهوری ۱۹۴۶ کردستان، ترجمه محمد صمدی، مه‌باد: صحافی مه‌باد، ۱۳۹۰.
- بهروان، حسین، جامعه‌شناسی روستایی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۹۰.
- بیان‌نامه کنگره دوم حزب دموکرات کردستان.
- «توزیع اسناد مالکیت بین دهقانان»، روزنامه ندای غرب، ش ۳۹، پنج‌شنبه ۳ مهر ۱۳۴۲، ص ۲.
- «جریان مشروح تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی»، روزنامه ندای غرب، ش ۴۲، چهارشنبه ۲ آبان ۱۳۴۱، ص ۸.
- جزنی، بیژن، اصلاحات ارضی در ایران، تهران: نشر گل‌سرخ، بی‌تا.
- جواهری، امجد (کارمند اداره جهاد کشاورزی شهرستان کامیاران)، مصاحبه با مؤلف، (شنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۴).
- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک؛ حزب دموکرات کردستان ایران، ج ۱ (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی

وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸).

حیرت سجادی، عبدالحمید، ایلات و عشایر کردستان، سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۸۱.
حیسانی، که ریم. له بیره وه ریه کانم ۱۹۷۰-۱۹۶۵، ج ۳، ستوکهلوم: بی‌نا، ۱۹۸۸.
خلعتبری، پرویز، «اصلاح ارضی نواستعماری و اصلاح ارضی دموکراتیک»، مجله دنیا، س ۶، ش ۱، بهار ۱۳۴۴، ص ۵۸.

«در سازمان اصلاحات ارضی»، روزنامه ندای غرب، ش ۱۱، چهارشنبه ۱ اسفند ۱۳۴۱، ص ۱.
زرگر، عبدالعلی (کارمند بازنشسته اداره امور اراضی استان کردستان)، مصاحبه با مؤلف، (۵ دی ۱۳۹۴).
سالح، به دره دین، کوردستان و شورش کورد؛ له به لگه نامه کانی ساواکی ئیراندا، هه ولیر: چاپخانه مناره، ۲۰۱۰.
سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۴۱، ۱۳۴۳، ۱۳۴۵.

سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۴۳، ش بازیابی ۲۸۷۶-۲۳۰.
سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۴۳، ش بازیابی ۲۸۷۶-۲۳۰.
سجادی، علاءالدین، تاریخ جنبش‌های آزادی‌بخش ملت کرد، ترجمه احمد محمدی، تهران: احمد محمدی، ۱۳۷۹.

سه رده شتی، یاسین، ریان و تیکوشانی سیاسی ئه حمه د توفیق «عه بدولای ئیسحاقی» (۱۹۳۱-۱۹۷۳)، سلیمانی: شفان، ۲۰۰۷.

غازیانی، ن، «لایحه خرید و فروش اراضی و نتایج آن»، مجله دنیا، ۱۳۴۱، ص ۶۲.
غازی، ئه میر، له بیره وه ریه سیاسی کانم، ستوکهلوم: آپک، ۲۰۱۰.
کیانوری، نورالدین، «چهره واقعی اصلاحات ارضی شاه»، مجله دنیا، س ۴، ش ۲، زمستان ۱۳۴۳، ص ۴۴.
کینان، درک، کردها و کردستان؛ مختصر تاریخ کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۶.

گروه تحقیق در مسائل اقتصاد کشاورزی، «بررسی آمار تقسیم اراضی در مرحله اول»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷ و ۸، اسفند ۱۳۴۲، ص ۱۸۶.

گروه تحقیقات اقتصادی، مطالعات روستایی در ایران، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۱.
گروه عکاسی دانشجویان دانشگاه صنعتی، کردستان تا قیام بهمین ۵۷ (تحلیل شرایط اقتصادی-اجتماعی)، تهران: بی‌نا، بی‌تا.

مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۰، ش بازیابی ۴۳۰۲۲.
مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۱، ش بازیابی ۳۳۲۰.
مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۱، ش بازیابی ۳۵۴۳.
مرکز اسناد ریاست جمهوری، سال ۱۳۴۲، ش بازیابی ۷۸۰۸۵.
مولانایی، عبدالله (از مالکان منطقه کردستان)، مصاحبه با مؤلف، (۵ مرداد ۱۳۹۴).
مک داول، دیوید، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانیز، ۱۳۸۰.
مؤمنی، محمد باقر، مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: انتشارات پیوند، ۱۳۵۹.

نیک‌آیین، امیر، «چشم‌اندازی از اصلاحات ارضی در ایران»، مجله دنیا، س ۷، ش ۳، پاییز ۱۳۴۵، ص ۵۶-۵۷.
_____ درباره مسئله ارضی و جنبش‌های دهقانی در ایران، تهران: سازمان جوانان و دانشجویان
دموکرات ایران، ۱۳۵۹.

هوگلاند، اریک ج، زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۱.
«۱۵۰ روستا در بیجار کردستان آماده تقسیم است»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۹۶۲، پنج‌شنبه ۸ آذر ۱۳۴۱، ص
۱۹.

Bill, James A., "Modernization and Reform from Above: The Case of Iran", *Politics*. Vol
32, No 1, 1970. P. 35.

Koohi- Kamali, Farideh, *The Political Development of the Kurds in Iran; Pastoral
Nationalism*, New York: Palgrave MacMillan, 2003.

Najmabadi, Afsane, *Land Reform and social change in Iran*, Salt Lake City: University
of Utah Press, 1987.

Rudolph, Charles Clinton, "The Land Reform Program in Iran and its Political
Implications", Ph.D. Thesis, The American University Washington D.C, 1971.

_____ <http://irpress.org/index.php?title> (حزب دموکرات کردستان ایران)

